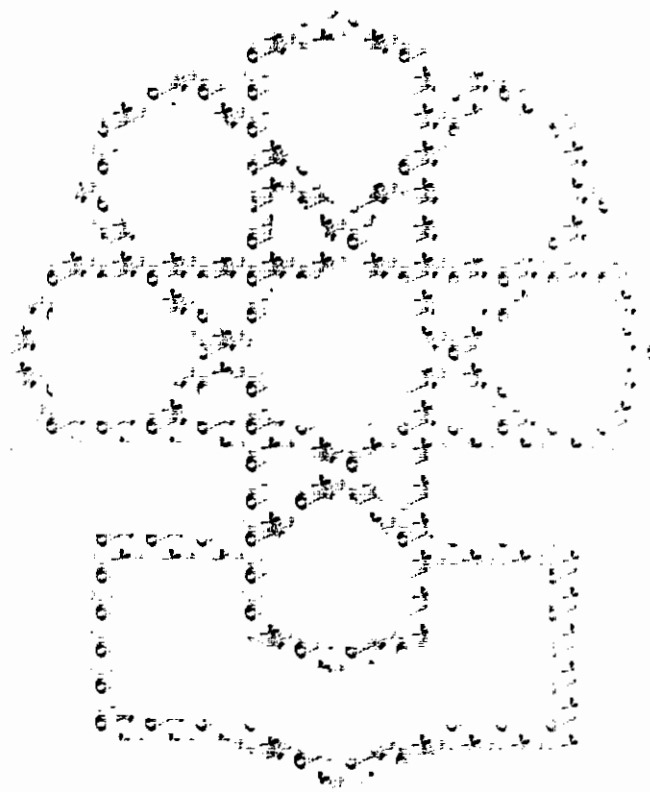




رکود در اقتصاد ملی



معاونت پژوهشی

آبان ۱۳۷۹

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی - دکتر فیروزه خلعتبری

این گزارش سابقه درخواست کمیسیون اقتصادی مجلس تهیه شده است.

کد گزارش: ۲۰۰۵۷۲۶

بسمه تعالی

رکود در اقتصاد ملی

کد گزارش: ۲۴۰۵۷۲۶

فهرست مطالب

- ۱- مقدمه ۲
- ۲- وضعیت اقتصادی و نشانه‌های رکود یا رونق در آن ۲
- ۳- تحولات قدرت خرید عامه مردم ۶
- ۴- ماهیت عملکرد اقتصاد ملی ۸
- ۵- چارچوبی برای بهسازی وضعیت اقتصادی ۱۰

یکی از بحث‌های رایج در کشور این است که رکود به شدت گسترش یافته و اقتصاد کشور راه‌های کارآمدی را برای غلبه بر رکود ارائه نداده است. گروه مخالف با این گفته با استناد به رشد ارقام کلان کشور مدعی می‌شوند که هیچ رکودی وجود ندارد و برعکس، اقتصاد کشور عملکرد مطلوبی دارد. این گروه معتقدند که معیارهای اقتصادی به وضوح نشان می‌دهد که اقتصاد فعال است. مقاله حاضر می‌کوشد که تصویری از موارد زیر را نشان دهد:

الف- وضعیت اقتصادی و نشانه‌های رکود یا رونق در آن؛

ب- تحولات قدرت خرید عامه مردم؛

پ- ماهیت عملکرد اقتصاد ملی؛

ت- چارچوبی برای بهسازی وضعیت اقتصادی.

۲- وضعیت اقتصادی و نشانه‌های رکود یا رونق در آن

وضعیت اقتصادی را می‌توان با مجموعه‌ای از متغیرهای واقعی و پولی نشان داد. در قسمت واقعی متغیرهای نشان دهنده وضعیت، به شرح زیرند:

الف- رشد محصول ناخالص داخلی: متوسط نرخ رشد محصول ناخالص داخلی در دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۰ معادل ۴/۴ درصد در سال بوده، به گونه‌ای که در سه ساله ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ نرخ رشد، زیر متوسط دوره قرار داشته است. به طور خاص نرخ رشد در سال ۱۳۷۷ تنها معادل ۵۴/۵ درصد متوسط رشد دوره بوده است. کند شدن نرخ رشد، یکی از ویژگی‌های واقعی رکود است. این ویژگی مشخص را نمی‌توان به وجود عارضه دیگری به غیر از رکود نسبت داد.

روند رشد محصول ناخالص داخلی (درصد/سال)

سال	رشد	سال	رشد
۱۳۷۰	۱۰/۹	۱۳۷۵	۴/۷
۱۳۷۱	۵/۵	۱۳۷۶	۳/۱
۱۳۷۲	۴/۸	۱۳۷۷	۲/۱
۱۳۷۳	۱/۶	۱۳۷۸	۲/۴
۱۳۷۴	۴/۵	۱۳۷۹	رددن*

ماخذ: نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* رددن: رقم در دست نیست

ب- تعداد مجوزهای تأسیس واحدهای جدید صنعتی: کند شدن جریان تأسیس واحدها را می‌توان در حالت کلی به وجود رکود نسبت داد اگر چه عوامل دیگری هم سبب این وضعیت می‌شود. در دوره ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸ به طور متوسط در هر سال، ۸،۶۱۸ واحد صنعتی تأسیس یافته است. در دو سال ۱۳۷۷-۱۳۷۸ رقم واحدهای

تأسیس یافته کمتر از این متوسط بوده و در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و به ترتیب معادل ۷۹/۶ و ۹۳/۹ درصد این متوسط بوده است.

تعداد مجوزهای تأسیس واحدهای جدید صنعتی (درصد سال)

سال	تعداد	سال	تعداد
۱۳۷۲	۷,۷۱۸	۱۳۷۶	۱۰,۱۵۶
۱۳۷۳	۸,۷۵۲	۱۳۷۷	۶,۸۵۶
۱۳۷۴	۹,۵۶۶	۱۳۷۸	۸,۰۹۶
۱۳۷۵	۹,۱۸۲		

مأخذ: وزارت صنایع، سالنامه آماری، سالهای مختلف.

ب- تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلیه مناطق شهری کشور: بالا رفتن این تعداد نشانه‌ای از وجود حرکت در اقتصاد ملی است. در دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۰ به طور متوسط سالانه ۱۲۳,۱۸۲ واحد، مجوز ساختمانی صادر شده است. رقم سال ۱۳۷۸ معادل ۱۲/۷ درصد بیش از این متوسط بوده ولی در مقایسه با سال‌های پیش از خود در سطح سال ۱۳۷۵ قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که بخش مسکن در پی یک سکون نسبی دوباره تا حدی تحرک یافته باشد.

تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلیه مناطق شهری کشور

سال	تعداد	سال	تعداد
۱۳۷۰	۱۰۵,۳۵۶	۱۳۷۵	۱۳۸,۶۴۵
۱۳۷۱	۹۴,۸۶۰	۱۳۷۶	۱۳۰,۵۱۰
۱۳۷۲	۱۰۸,۸۷۹	۱۳۷۷	۱۳۲,۸۹۴
۱۳۷۳	۱۲۳,۲۳۶	۱۳۷۸	۱۳۸,۸۴۳
۱۳۷۴	۱۳۵,۴۱۵		

مأخذ: محله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ت- شاخص تعداد و مبلغ اسناد مبادله شده برگشتی: بالا رفتن تعداد و مبلغ اسناد برگشتی نشان دهنده کساد بازار است. در سال‌های اخیر به دلیل مجازات‌های خارج از عرف در مورد صادرکنندگان اسناد بی محل، روند این شاخص مخدوش شده و از حالت طبیعی خود خارج شده است. به همین دلیل دیگر نمی‌توان از روند کنونی این شاخص‌ها در مقایسه با گذشته به نتیجه‌ای منطقی دست یافت.

ث- نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش‌های مختلف به نقدینگی خصوصی: این نسبت در دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۰ به طور متوسط معادل ۱۲۳/۵۰ بوده است. بالا رفتن نسبت نشانه‌ای از بالا رفتن درجه خلق پول توسط سیستم بانکی است. این وضعیت نشانه‌ای از وجود تقاضا برای منابع مالی است. چنین تقاضایی می‌تواند به دلایل مختلف ایجاد شود که برخی از آنها برخاسته از رکود و پاره‌ای دیگر منشأ گرفته از رونق است. در سال ۱۳۷۸

نسبت مورد بحث ۷/۲ درصد بالای این متوسط قرار داشته است.

نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش های اقتصادی به نقدینگی (درصد)

سال	نسبت	سال	نسبت
۱۳۷۰	۱۲۵/۶۱	۱۳۷۵	۱۰۹/۲۷
۱۳۷۱	۱۲۰/۹۷	۱۳۷۶	۱۱۶/۵۰
۱۳۷۲	۱۳۰/۰۲	۱۳۷۷	۱۲۹/۸۰
۱۳۷۳	۱۲۷/۰۶	۱۳۷۸	۱۳۲/۳۵
۱۳۷۴	۱۱۹/۹۱		

مأخذ: بانک مرکزی

ج- نسبت محصول ناخالص داخلی به نقدینگی خصوصی: این نسبت نشان دهنده درجه پولی یا واقعی بودن اقتصاد است. بالاتر رفتن نسبت نشان می دهد که عملیات اقتصادی کمتر بر پول تکیه کرده است. بررسی نشان می دهد که متوسط این نسبت در دوره ۱۳۷۰-۱۳۷۸ معادل ۱۹۹/۵ بوده است. رقم سال ۱۳۷۸ در واقع ۸/۴ درصد بیش از این نسبت بوده است. چنین وضعی را می توان نشانه ای از وجود حرکت های گریز از رکود به شمار آورد.

نسبت محصول ناخالص داخلی به نقدینگی (درصد)

سال	نسبت	سال	نسبت
۱۳۷۰	۱۷۰/۰	۱۳۷۵	۲۰۲/۳
۱۳۷۱	۱۷۹/۶	۱۳۷۶	۲۰۶/۸
۱۳۷۲	۱۹۴/۳	۱۳۷۷	۲۰۴/۲
۱۳۷۳	۲۰۹/۲	۱۳۷۸	۲۱۶/۳
۱۳۷۴	۲۱۲/۵		

مأخذ: بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی

نکته ای که در این جا باید به آن توجه داشت این است که در سال های اخیر نقدینگی غیر متشکل به شدت افزایش یافته است. بنابراین ابزارهای غیر متعارف (مثل چک های مختلف بانکی، مسافرتی و تضمین شده) به جای پول نشسته اند. از آنجا که تحولات این ابزارها در جدول ارزیابی وجود ندارد، نسبت مورد بحث به شدت در جهت گسترده بودن نسبی عملیات اقتصادی آریبی دارد و بنابراین از قابلیت اعتماد آن کاسته شده است.

در جمع بندی از تحلیل پنج متغیر واقعی، احساس کلی این است که نشانه های کندی حرکت اقتصاد وجود دارد ولی تنها با توسل به این متغیرها نمی توان به درجه مطلوبیت یا وخامت وضعیت اقتصادی پی برد. به یقین تحلیلی به مراتب گسترده تر ضرورت دارد.

روند نوسان‌های قیمت در ایران (درصد در سال)

تولیدکننده	عمده‌فروشی	خرده‌فروشی	صادراتی	
۲۲/۶	۲۶/۶	۲۰/۷	۵۲/۷	۱۳۷۰
۲۷/۶	۳۳/۴	۲۴/۴	۶/۷	۱۳۷۱
۲۴/۰	۲۵/۳	۲۲/۹	۶/۶	۱۳۷۲
۳۲/۹	۴۲/۴	۳۵/۲	۴۲/۹	۱۳۷۳
۴۷/۵	۶۰/۲	۴۹/۴	۵۴/۳	۱۳۷۴
۲۶/۴	۲۵/۱	۲۳/۲	۱۳/۸	۱۳۷۵
۱۵/۶	۹/۹	۱۷/۳	۷/۷	۱۳۷۶
۱۷/۸	۱۱/۶	۱۸/۱	-۵/۳	۱۳۷۷
۲۱/۷	۲۳/۱	۲۰/۱	۵۰/۱	۱۳۷۸
۲۶/۲	۲۸/۶	۲۵/۷	۲۵/۵	متوسط دوره

ماخذ: بانک مرکزی

برای بررسی بیشتر، لازم است روند تحول برخی از متغیرهای پولی مورد ارزیابی قرار گیرد. در زیر به پاره‌ای از این متغیرها اشاره می‌شود:

الف - روند تغییرات قیمت: تغییرات قیمت را می‌توان در سطوح مختلف ارزیابی کرد. در ایران، سه سطح خرده‌فروشی، عمده‌فروشی و تولیدکننده برای بررسی وجود دارد. ارقام تحولات قیمت در هر یک از این سطوح در زیر آورده شده است. بررسی روند قیمت‌ها نشان می‌دهد که به جز در مورد شاخص قیمت کالاهای صادراتی در کلیه موارد افزایش قیمت‌ها در حدی پایین‌تر از متوسط دوره ۱۳۷۰-۱۳۷۸ قرار داشته است. کند شدن افزایش قیمت‌ها هم می‌تواند نشانه‌ای از نزدیک شدن به ثبات باشد و هم آنکه به دلیل رکود به وجود آمده باشد. وقتی سه سال ۱۳۷۶-۱۳۷۸ در نظر گرفته می‌شود، روند کلی قیمت‌ها در سه سطح خرده‌فروشی، عمده‌فروشی و تولیدکننده صعودی بوده است. در هر صورت افزایش قیمت‌ها در سطحی بالاتر از ۲۰ درصد قرار دارد که نمی‌توان وجود آن را، حتی در نفس خود، نوعی دستیابی به سکون و ثبات تصور کرد. به نظر می‌رسد که افزایش قیمت‌ها نشانه‌ای از وجود وضعیت تورمی باشد. تداوم افزایش قیمت در سطحی بالاتر از متوسط ۲۵ درصد در سال به این معنی است که در عمل هر سه سال یکبار قیمت‌ها دو برابر می‌شود. این وضعیت با هر معیار، نابسامان است و عارضه‌هایی که از آن بر می‌خیزد حتی بدون وجود رکود، نگران‌کننده است.

ب - رشد نقدینگی: تحولات نقدینگی در ذات خود می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. در دوره ۱۳۷۰-۱۳۷۸ رشد نقدینگی به طور متوسط ۲۶/۹ درصد بوده است. این رقم عدد بزرگی است که وجود آن را نمی‌توان هماهنگ با به ثبات رسیدن اقتصاد دانست. وجود نقدینگی غیر متشکل که در این محاسبات نمی‌آید هم روند رشد نقدینگی را مخدوش ساخته است، به ویژه آنکه نقدینگی اخیر پیوسته سیر صعودی شدت یابنده داشته است. در هر صورت رشد نقدینگی در سال ۱۳۷۸ معادل ۷۴/۸ درصد متوسط دوره بوده است. با در نظر گرفتن وجود عامل اختلال و بالا بودن رقم رشد نقدینگی در بخش متشکل، به دشواری

می توان این وضعیت را حرکتی در جانب رسیدن به ثبات دانست.

روند تغییرات نقدینگی (درصد)

سال	رشد	سال	رشد
۱۳۷۰	۲۴/۶	۱۳۷۵	۳۷/۰
۱۳۷۱	۲۵/۳	۱۳۷۶	۱۵/۲
۱۳۷۲	۳۴/۲	۱۳۷۷	۱۹/۴
۱۳۷۳	۲۸/۵	۱۳۷۸	۲۰/۱
۱۳۷۴	۳۷/۶		

منبع: بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی.

خالص صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)

سال	خالص صادرات غیرنفتی	سال	خالص صادرات غیرنفتی
۱۳۷۰	-۲۲,۵۴۱	۱۳۷۵	-۱۱,۸۶۹
۱۳۷۱	-۲۰,۲۸۶	۱۳۷۶	-۱۱,۲۳۱
۱۳۷۲	-۱۵,۵۴۰	۱۳۷۷	-۱۱,۱۰۱
۱۳۷۳	-۷,۷۸۶	۱۳۷۸	-۱۰,۰۵۵
۱۳۷۴	-۹,۵۱۷		

منبع: بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی.

پ- خالص صادرات غیرنفتی. خالص صادرات غیرنفتی نشان دهنده درجه تکیه اقتصاد ملی بر تولید برای صادرات است. بررسی تراز تجارت غیرنفتی نشان می دهد که در طول دوره ۱۳۷۰-۱۳۷۸ اقتصاد کشور به طور متوسط ۱۳/۳ میلیارد دلار واردات اضافه بر صادرات غیرنفتی داشته است. این رقم در سال ۱۳۷۸ معادل ۷۵/۵ درصد متوسط مورد بحث بوده است. افت این نسبت ناشی از محدود شدن واردات و افزایش صادرات غیرنفتی بوده است. به نظر می رسد که اقتصاد ملی در جهت بالا بردن تولید خود کوشیده است. با وجود این هنوز راه درازی تا دستیابی به تراز در تجارت غیرنفتی وجود دارد. به طور خلاصه، در بررسی سه متغیر اسمی هم نمی توان نتیجه گیری مشخصی را در مورد رونق یا رکود در اقتصاد ملی بیان کرد. نشانه های اسمی برای ارزیابی و شناخت وضعیت اقتصاد کشور به اندازه کافی کارایی ندارند.

۳- تحولات قدرت خرید عامه مردم

روند تحولات قدرت خرید اقتصاد ملی را می توان در ابعاد جهانی با سیر تغییرات محصول ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت و به دلار (یا به هر ارز دیگر) نشان داد. از آنجا که بخش بزرگی از درآمدهای کشور به

دلار است و از محل صادرات نفت حاصل می‌شود، زمانی می‌توان ادعا کرد که سیاست‌های اقتصادی منافع نسل‌های مختلف را در نظر گرفته است که قدرت خرید دلاری اقتصاد ملی رو به رشد باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در یک دوره زمانی به نسبت دراز مدت، قدرت خرید دلاری اقتصاد ملی سیر نزولی جدی داشته است. به این ترتیب اقتصاد ایران به‌طور کلی در مقایسه با جهان کوچک‌تر شده است.

قدرت خرید دلاری اقتصاد ملی (میلیارد دلار به ارزش ثابت سال ۱۳۶۱)

سال	قدرت خرید	سال	قدرت خرید
۱۳۷۰	۱۲/۴	۱۳۷۵	۵/۴
۱۳۷۱	۱۲/۵	۱۳۷۶	۵/۶
۱۳۷۲	۷/۹	۱۳۷۷	۳/۲
۱۳۷۳	۷/۶	۱۳۷۸	۲/۲
۱۳۷۴	۴/۸		

مأخذ: خلعتبری، فیروزه، پیوند ارزش پول ملی با آزادی، عدالت و رفاه اجتماعی. فصل نامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، صفحات ۴۹-۴۲۵.

افت ارزش پول ملی در ابعاد مختلف قدرت خرید عامه مردم را زایل نموده است. مقایسه ارقام وزنی خریدهای خانوارها نشان می‌دهد که افت جدی در مصرف اقلام اساسی زندگی وجود داشته است. مصرف اقلام اساسی زندگی در خانوارهای ایرانی کم و بیش سیر نزولی داشته است. به نظر می‌رسد که خانوارها به تدریج زیر فشار هزینه از مقدار مصرف خود کاسته باشند. این وضعیت که نشانه‌ای از به فقر کشانیده شدن عامه مردم است نشان می‌دهد که وجود رونق را نمی‌توان به صورت جدی باور کرد. موضوع به‌ویژه از آن جهت تأیید می‌شود که در طول زمان بُعد خانوار هم کوچک نشده است. در هر صورت سال ۱۳۷۰ نیز سال پر رونقی نبوده است که مبنای قرار دادن آن مورد انتقاد قرار بگیرد.

تغییرات مصرف خانوارهای شهری (کیلوگرم)

گوشت قرمز	انواع برنج	انواع شیر	حبوب	قند و شکر	سال
۱۰۰/۶۰۶					۱۳۷۰
۹۴/۶۱۸					۱۳۷۱
۸۵/۰۴۶					۱۳۷۲
۸۵/۸۱۹					۱۳۷۳
۷۶/۰۳۶		۱۳۹/۵۶۴		۷۵/۶۰۰	۱۳۷۴
۷۷/۱۶۳	۱۷۶/۱۱۸	۱۳۴/۶۲۵		۷۲/۷۱۰	۱۳۷۵
۷۷/۶۹۱	۱۸۶/۲۶۰	۱۴۰/۸۸۴	۳۴/۹۴۰	۶۳/۱۶۶	۱۳۷۶
۷۱/۷۷۹	۱۶۵/۸۲۶	۱۳۶/۰۹۵	۳۳/۹۸۲	۶۳/۳۲۰	۱۳۷۷

مأخذ: بانک مرکزی.

به طور خلاصه، با معیارهای متفاوت و از جمله با دو معیار ارائه شده، می‌توان دید که قدرت خرید مردم در مقیاس خرد و کلان محدود شده است و به نظر می‌رسد که مردم ایران نسبت به مردم جهان پس روی داشته‌اند. این وضعیت به نوبه خود سبب می‌شود که تقاضا برای خرید محصولات کاهش بیابد. که خود نشان‌دهنده بروز شرایط رکودی است.

۴- ماهیت عملکرد اقتصاد ملی

ممکن است چنین استدلال شود که اقتصاد ایران یک اقتصاد نفت‌خیز است و بنابراین پیوسته در معرض شوک‌های نفتی قرار می‌گیرد. با این اوصاف، بروز رکود در مواردی خارج از کنترل مقامات است. نگاهی به دریافتی حاصل از صادرات نفت در دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۰ نشان می‌دهد که درآمد ارزی کشور از محل صادرات نفت و گاز به طور متوسط در این دوره سالانه ۱۵,۳۲۰ میلیون دلار بوده است. در سه ساله ۷۸-۱۳۷۶ درآمد دولت به متوسط سالانه ۱۳,۸۹۱ میلیون دلار رسیده که ۹۰/۷ درصد متوسط درازمدت بوده است. با وجود این درآمد نفتی کشور در سال ۱۳۷۸ به مراتب بالاتر از متوسط درازمدت بوده است.

دریافتی حاصل از صادرات نفت و گاز (میلیون دلار)

سال	دریافتی	سال	دریافتی
۱۳۷۰	۱۶,۰۱۲	۱۳۷۵	۱۹,۲۷۱
۱۳۷۱	۱۶,۸۸۰	۱۳۷۶	۱۵,۴۷۱
۱۳۷۲	۱۴,۳۳۳	۱۳۷۷	۹,۹۳۳
۱۳۷۳	۱۴,۶۰۳	۱۳۷۸	۱۶,۲۷۰
۱۳۷۴	۱۵,۱۰۳		

مأخذ: بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی.

به نظر می‌رسد که فقدان استراتژی محدود کردن اثر نوسان‌های نفتی بر اقتصاد ملی سبب شده باشد که اقتصاد کشور آسیب ببیند. آن چه به صورت بسیار نامشخص در تبصره ۶۰ قانون برنامه سوم آورده شد و به تازگی با مصوبه نمایندگان محترم مجلس شکل دیگری به خود گرفت، در واقع یکی از اصلی‌ترین نیازهای برنامه‌ریزی اقتصادی است.^۱ در هر صورت نشانه‌ای وجود ندارد که در حال حاضر اقتصاد ملی دور تأثیرات رکودی ناشی از درآمد نفت راطی می‌کند.

موضوع دیگری هم وجود دارد که به صورت عامل برون‌زا در برنامه‌ریزی‌ها مطرح می‌شود ولی به دلیل آنکه مسئولان باید از وجود آن در دو دهه اخیر آگاهی می‌داشته‌اند، فقدان کنترل بر آن را نمی‌توان به دلیل برون‌زا بودن توجیه کرد. این عامل رشد عظیم جمعیت کشور در سال‌های دهه ۱۳۶۰ است. این رشد سبب شده است که تعداد قابل ملاحظه‌ای افراد ابتدا به آموزش نیاز پیدا کنند، حال به کار نیازمند شوند و در سال‌های آینده به رسیدگی‌های رفاهی محتاج باشند.

۱. در این مورد به تفصیل در گزارش که درباره ماده ۶۰ قانون برنامه نوشته شد، توضیح داده شده است.

نگاهی به ساخت سنی جمعیت در آبان ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که انبوهی از جمعیت در گروه‌های سنی ۱۴ تا ۳۰ سال قرار گرفته‌اند. با وجود این ساخت، ایجاد شغل پایدار برای جمعیتی که به طور ضربتی وارد بازار کار می‌شوند، حتی با کمک سرمایه‌گذاری‌های ضربتی ناممکن است. بی‌کار ماندن هم علاوه بر ایجاد مشکلات اجتماعی و ایمنی، بر رکود دامن می‌زند. به نظر می‌رسد که نیاز جمعیت مورد بحث را بتوان با کمک ترکیبی از ایجاد اشتغال، بالا بردن امکان تحصیل و جابه‌جایی نیروی کار تسکین داد. در این چارچوب باید سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی از دهه پیش افزایش می‌یافت و جهت‌گیری آن برای کاهش بار رکود می‌بود.

ساخت سنی جمعیت در آبان ۱۳۷۹ (نفر)

سن	مردوزن	مرد	زن
۱۴	۱,۸۷۸,۵۹۱	۹۵۴,۴۲۵	۹۲۴,۱۶۶
۱۵	۱,۸۷۸,۰۵۹	۹۵۵,۶۷۷	۹۲۲,۳۸۲
۱۶	۱,۸۸۶,۱۳۳	۹۶۱,۰۰۱	۹۲۵,۱۳۲
۱۷	۱,۷۶۲,۳۴۹	۸۹۷,۶۱۵	۸۶۴,۷۳۴
۱۸	۱,۶۷۵,۵۴۴	۸۵۳,۷۵۵	۸۲۱,۷۸۹
۱۹	۱,۶۶۷,۷۰۳	۸۵۰,۷۰۵	۸۱۶,۹۹۸
۲۰	۱,۵۴۵,۹۹۱	۷۸۶,۷۶۲	۷۵۹,۲۲۹
۲۱	۱,۴۱۵,۴۳۸	۷۱۷,۲۱۱	۶۹۸,۲۲۷
۲۲	۱,۳۲۲,۸۰۸	۶۶۱,۹۵۹	۶۶۰,۸۴۹
۲۳	۱,۱۶۳,۶۰۷	۵۶۳,۲۳۸	۶۰۰,۳۶۹
۲۴	۱,۱۳۹,۶۸۴	۵۴۲,۸۱۶	۵۹۶,۸۶۸
۲۵	۱,۰۶۲,۳۰۵	۵۲۰,۱۷۶	۵۴۲,۱۲۹
۲۶	۱,۰۲۹,۱۰۴	۵۰۸,۱۹۹	۵۲۰,۹۰۵
۲۷	۱,۰۱۹,۰۳۴	۵۰۸,۰۲۷	۵۱۱,۰۰۷
۲۸	۹۷۱,۸۵۵	۴۸۷,۲۳۵	۴۸۴,۶۲۰
۲۹	۱,۰۶۵,۲۲۸	۵۳۵,۷۶۰	۵۲۹,۴۶۸
۳۰	۹۵۹,۹۲۵	۴۸۳,۴۳۱	۴۷۶,۴۹۴

ماخذ: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۷. مرکز آمار ایران. زمستان ۱۳۷۸.

از آنجا که چنین تمهیداتی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور وجود نداشته است، اکنون که شکوفایی کامل بحران جمعیت پیش روی اقتصاد ملی قرار دارد، عواقب آن به صورت عارضه فقدان قدرت خرید ظاهر می‌شود.

بررسی وزن اقلام مختلف هزینه‌ای در بودجه خانوار هم به وضوح نشان می‌دهد که خانوارها زیر بار اجباری گران شدن حمل و نقل که در نهایت تأسف، دولت همچنان مدعی پرداخت سوبسید به مردم است، به ناچار حتی از سهم خوراک خود کاسته‌اند. دو محور تعلیم و تربیت و تفریح سهم بسیار ناچیزی در زندگی مردم دارند. محدود بودن توجه به محور آموزش هم سبب می‌شود که جمعیت کشور در سنین پایین‌تر وارد بازار کار شود. بنابراین نیاز به اشتغال بروز می‌کند.

(درصد)

ترکیب هزینه خانوار

تعلیم و تربیت	تفریح	حمل و نقل و ارتباطات	درمان و بهداشت	لوازم خانه	مسکن	پوشاک	خوراک و دخانیات	
۰/۷	۱/۵	۸/۸	۳/۹	۶/۷	۲۷/۰	۱۰/۲	۳۴/۵	۱۳۷۰
۰/۸	۱/۵	۸/۴	۳/۹	۶/۸	۲۸/۲	۹/۶	۳۴/۴	۱۳۷۱
۱/۲	۱/۴	۸/۷	۵/۰	۶/۷	۲۷/۹	۸/۷	۳۳/۶	۱۳۷۲
۱/۳	۱/۲	۱۰/۰	۵/۰	۶/۶	۲۶/۴	۸/۴	۳۴/۰	۱۳۷۳
۱/۴	۱/۰	۹/۰	۴/۲	۶/۲	۲۵/۳	۹/۵	۳۶/۳	۱۳۷۴
۱/۶	۱/۱	۸/۷	۴/۱	۶/۲	۲۷/۴	۹/۵	۳۴/۲	۱۳۷۵
۱/۷	۱/۶	۱۱/۲	۴/۴	۶/۸	۲۶/۴	۹/۱	۳۰/۹	۱۳۷۶
۱/۸	۱/۵	۱۲/۱	۴/۴	۶/۳	۲۷/۳	۷/۷	۳۱/۲	۱۳۷۷

ماخذ: بانک مرکزی

به طور خلاصه، مشکلی که اقتصاد در حال حاضر با آن مواجه است، به طور کلی ناشی از فقدان بازار است. در سطح بین‌المللی این فقدان بازار به عوامل گوناگونی مربوط می‌شود که عمده‌ترین آنها ناجوری کیفی محصولات ایران و ناسازگاری با معیارهای امروز جهان است. در سطح ملی وجود محدودیت‌های ورود در هر حال بازار بالقوه‌ای برای محصولات ایران ایجاد می‌کند، ولی به دلیل فقدان درآمد تقاضا بسیار محدود شده است. پایین آمدن تقاضا سبب می‌شود که بخش تولید وجود رکود را احساس کند. بنابراین آن چه در اقتصاد ایران رخ داده فقدان قدرت خرید است.

۵- چارچوبی برای بهسازی وضعیت اقتصادی

اقتصاد ایران به اصلاح ساخت نیاز دارد. برنامه‌های توسعه‌ای فاقد توانایی اصلاح ساخت هستند. برنامه سوم هم بارها کردن کلیه اهرم‌های مدیریت در واقع گامی برای اصلاح ساخت بر نمی‌دارد. به نظر می‌رسد که جای یک برنامه ویژه دوره گذر خالی باشد.

محتوای برنامه ویژه دوره گذر باید حرکتی باشد که براساس آن دولت در حد وظایف حاکمیتی کوچک بشود و فعالیت‌های اقتصادی به جایگاه خاص خود با معیارهای جهانی برگردد. یک نمونه از این برنامه «طرح مالکیت فراگیر»^۱ بود که حدود دو سال پیش مطرح شد. طرح مشابهی در این زمینه ارائه نشده است و طرح مالکیت فراگیر هم هرگز به صورت جدی به بحث گذاشته نشد.

برنامه مورد نظر در هر چارچوبی تدوین شود، نیاز به آن انکارناپذیر است. رها کردن اقتصاد ایران در وضعیت کنونی منجر به گسترده شدن ابعاد ورشکستگی‌ها می‌شود. دولت نمی‌تواند با فروش بیشتر ارز جلو این روند را بگیرد. به عنوان مثال همین حالا که دولت می‌خواهد ارزهای اضافی نفتی را بفروشد، نگران است که قیمت دلار کاهش می‌یابد و دولت مایل نیست که دلار ارزان‌تر شود. دلیل این بی‌میلی توجیه‌ناپذیر هر چه باشد، به بن‌بست رسیدن سیاست‌گران فروشی ارز سبب می‌شود که دولت نتواند ریال مورد نظر خود را در چارچوب بودجه فراهم آورد.

۱. طرح مالکیت فراگیر توسط اطاق بازرگانی و صنایع و معادن منتشر شده است.